

## اصول طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهرها

عبداله نصراللهی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

### چکیده

این مقاله بر نگهداشت ارزش‌های بافت تاریخی شهرها با توجه به تبیین اصول توسعه میان‌افزا تمرکز دارد. یکی از بزرگترین دغدغه‌های شهری موجود، تقابل حفاظت از بافت‌های شهری تاریخی و توسعه شهری در دوره معاصر است. واقعیت موجود و قابل مشاهده شهرهای تاریخی ما حاکی از آن است که وضعیت کنونی این شهرها بیش از آنکه متأثر از اصول خاص برگرفته از این نوع بافت شهری باشد؛ تحت تأثیر فرآیند مداخلات مربوط به ساختارهای کالبدی و فضایی جدید است. آثار جدید به طور عموم از منظر رویکردهای نظری و مفهومی، اشکال و فرم‌های کالبدی، نحوه تعریف رفتارها و عملکردها و چگونگی استفاده از مصالح و شیوه‌های ساخت و ساز، در اغلب موارد مناسبتی با بافت تاریخی شهرها ندارد. در این راستا با استفاده از روش مطالعات اسنادی، بررسی تجربیات بصورت نظری و تجربی با تکیه بر روش استدلال منطقی، سعی در شناسایی اصول طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهرها شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ارزش‌های نهفته در بافت تاریخی شهرها، زبان مشترک حفاظت و توسعه است که با شناسایی آن اصول طراحی بناهای میان‌افزا و نحوه توده‌گذاری در میراث شهری نیز مشخص می‌شود.

**واژگان کلیدی:** اصول طراحی، بناهای میان‌افزا، توسعه پایدار، بافت تاریخی، مدیریت تغییر.

[abednasrollahi@gmail.com](mailto:abednasrollahi@gmail.com)

<sup>۱</sup> - مربی دپارتمان مهندسی معماری دانشکده شریعتی، دانشگاه فنی و حرفه ای، تهران.

## مقدمه

شهرسازی معاصر افراد را بدون حس آگاهی از اهمیت عمیق و نمادین مکان‌ها رها کرده و نقش مکان‌ها را در هویت شهری نادیده گرفته است. از این رو بی‌مکانی را در منظر شهر رواج داده که نتیجه آن احساس از خود بیگانگی است. در واکنش نسبت به این مسأله واژه‌های بازیابی مکان یا روح مکان بکار برده شده است (Norberg-Schulz, 1980: 182). ایده روح مکان در صدد است تا اصولی را برای ساخت مکان دریابد که گذشته را با آینده پیوند زند؛ برای این کار لازم است تا قواعد از پیش موجود را بشناسد و در درون آن عمل کند (همان: ۱۴). واقعیت موجود و قابل مشاهده شهرهای تاریخی ما نشان از آن دارد که وضعیت کنونی این شهرها بیش از آنکه متأثر از پروژه‌ها و فرایندهای اصولی خاص این نوع بافت شهری باشد؛ تحت تأثیر فرآیند مداخلات مربوط به ساختارهای کالبدی و فضایی جدید بوده است. این آثار جدید به طور عموم از منظر رویکردهای نظری و مفهومی، اشکال و فرم‌های کالبدی، نحوه تعریف رفتارها و عملکردها و چگونگی استفاده از مصالح و شیوه‌های ساخت و ساز و در نهایت، در نوع نگاه به انسان و به گذشته به طور کامل دگرگون شده است. حاصل این دگرگونی شکل‌گیری آثار جدید با صورت و سیرتی متفاوت بدون در نظر گرفتن ارزش‌های نهفته در بافت تاریخی شهرهاست. بدین منظور لازم است به جای توسعه و رشد بی‌رویه شهر به صورت افقی و آلوده‌کننده، از طریق پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم و تغییر کاربری بناهای قدیمی به رشد و توسعه پایدار شهر دست یافت. فارغ از دلایل ایجاد این توجه، جوامع متوجه گزینه‌ای برای حل و فصل تبعات توسعه لجام‌گسیخته شامل پراکنده‌رویی حومه‌ها و تخریب زمین‌های شهری شده‌اند.

برنامه‌ریزی حفاظت بعنوان ابزاری برای تعادل بین نیازهای مختلف و غالباً متضاد حفاظت از بافت‌های تاریخی و توسعه شهری تدوین می‌شود (Maitland Gardner 2007). هدف کلی برنامه حفاظت، تعیین خط‌مشی یا دستورالعمل‌هایی است که از اهمیت سایت محافظت می‌کند و مدیریت مداوم آن و همچنین رویکرد توسعه در آینده را تعیین می‌کند (همان). موضوعاتی که در پیاده سازی دخیل هستند عبارتند از: مکان، زمینه، هویت، تفسیر، تقلید استعاری و قیاسی و ترکیب بندی (Demiri, 2013, 44). در این بین رویکرد توسعه میان‌افزا، عقلانی‌ترین راه‌حل جهت جلوگیری از پیشروی معضلات شهری، مدیریت تغییرات شهری و ایجاد تعادل بین حفاظت و توسعه است. توسعه میان‌افزا، راهکاری مدیریتی برای نگهداشت آگاهانه ارزش‌های چند لایه بافت تاریخی شهرها در سطوح مختلف است.

بخشی از ارزش‌های کالبدی-تاریخی موجود در بافت‌های تاریخی طبق اصول گفته شده در منشورهای مرمتی مورد حفاظت قرار می‌گیرد. اما بخش دیگری از داشته‌های ما در بافت تاریخی شهرها، فضاها و بدون استفاده شهری است که به هر دلیلی بر اثر تخریب بوجود آمده است. این بخش نیز با توجه به شرایط زمینه و ارزش‌های موجود و نیز وجود کاستی‌ها و نارسایی‌های ضوابط و شیوه‌نامه‌ها و عدم ضمانت اجرایی لازم، نیاز به اصول و قواعد طراحی معماری خاص خود را دارد.

این دغدغه می‌تواند به صورت تخصصی در خصوص شخصیت واحد همسایگی، الگوها، ارتباطات و تسهیلات تبلور یابد؛ اما راهبردهای دسترسی به توسعه‌های میان‌افزای هم‌پیوند را می‌توان در حمل و نقل، مقیاس، توده‌گذاری و مفصل‌بندی جستجو نمود. بی‌شک هر طرح و برنامه جدید، باید دارای اصولی باشد تا از این رهگذر بتواند به نحو مطلوب متغیرهای مؤثر بر کمیت و کیفیت توسعه‌های میان‌افزا را به کنترل درآورد. برای دستیابی به یک طرح میان‌افزای موفق، اصول مربوط به طراحی در زمینه تاریخی، با درک صحیح زمینه و لایه‌های متعدد ارزشمند آن امکانپذیر است.

## پیشینه تحقیق

از دهه ۱۹۶۰م، نوعی تغییر سیاست و نگرش مثبت نسبت به مناطق تاریخی شهر و گرایش به حفاظت، نگهداری، مرمت و بهره‌برداری مجدد از خانه‌های قدیمی و یا احداث بناهای جدید در این مناطق آغاز شد؛ یعنی زمانی که معماری و شهرسازی مدرن مورد سوال قرار گرفت، از آن به شدت انتقاد شد. در اوایل دهه ۱۹۶۰م. معمار امریکایی «رابرت ونوری» در کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری» به شدت از دیدگاه‌های ساده‌انگارانه معماری مدرن انتقاد کرد. در سال ۱۹۶۴م، اندکی پس از به تعلیق درآمدن رای مربوط به طراحی مجتمع عظیم آپارتمانی مدرن در

برلین، ولف جی سیدلر در کتاب خود موسوم به «شهر مقتول» شهرسازی مدرن را به «قتل عمد» محکوم کرد. وی ضمن مقایسه‌ای هوشمندانه میان توسعه جدید مسکن و بلوکهای آپارتمانی موجود در شهر تاریخی، با استفاده از عکس و مدارک موثق برای شهرسازی مدرن درخواست کیفر نمود. دو سال بعد معمار ایتالیایی «آلدوروسی» در کتاب «معماری شهر»، بنیان‌های نظری عناصر و ویژگی‌های شهر تاریخی را طرح کرد. در طی یک دهه منتقدان، معماران و شهرسازان و سایر رشته‌های وابسته، صدها کتاب و مقاله به منظور ارزیابی و تقویت محیط‌های مصنوع فرهنگی، تاریخی و سنتی، به رشته تحریر درآوردند. نظریه‌ها و ادبیات جدید معماری، همراه با اجرای برخی از پروژه‌ها در دهه ۱۹۶۰م. و ۱۹۷۰م. راه را برای جنبش‌های اخیر هنری، معماری و شهرسازی که بر ارزش‌های سنتی و تاریخی تاکید دارند، هموار کرد. از این رو بناهای قدیمی و مناطق تاریخی شهری اهمیت یافت و بار دیگر به آن به صورت منجی بالقوه برای مادرشهر به آن توجه شد (اعتصام، ۱۳۷۷: ۵۵).

بحث توسعه میان افزا اولین بار در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس هیئت ۲ در کانادا مطرح شد. و سه سال بعد، در سال ۱۹۷۹، انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً این مفهوم را تعریف کرده و در راستای اهداف اقتصادی به کار گرفت. در سال ۱۹۸۹ پس از برگزاری کنفرانس برانتلند، گزارش WCED منتشر شد که به طور روشن به توسعه پایدار اشاره می‌کند. یک سال بعد و متأثر از این سند، گزارش سبز CEC در سال ۱۹۹۰ میلادی تهیه شد و در ۱۹۹۳ میلادی دستور کار ۲۱ سران انتشار یافت. این اسناد که با محوریت موضوع توسعه پایدار تهیه شدند، همگی کمابیش متأثر از پارادایمی بودند که بعد از دهه هفتاد مبنی بر توسعه میان افزا شکل یافت، و هر کدام بخشی از این مفهوم را توسعه داده و آن را غنی ساخته‌اند.

مفهوم توسعه میان افزا که ابتدا در چارچوبی اقتصادی تعریف و تبیین می‌شود پس از درآمیختن با مفاهیم توسعه پایدار، به لحاظ زیست‌محیطی هم اهمیت پیدا می‌کند. هم‌اکنون از جمله مزایایی که برای توسعه میان افزا ذکر می‌شود، مزایای زیست محیطی و ارتقای شاخص‌های توسعه شهری پایدار است. به کارگیری رویکرد توسعه میان افزا به عنوان یکی از راهبردهای اساسی برای تحقق رشد هوشمند در هر نقطه‌ای از جهان هر چند منطقی به نظر می‌آید اما باید توجه داشت که شکل‌گیری و گسترش آن در بستری از اتفاقات اجتماعی و جنبش‌های پی‌درپی در غرب و بالأخص آمریکا مانند جنبش توسعه پایدار، نوشهرگرایی و رشد هوشمند روی داده است و انتقال آن به کشوری مانند ایران باید با ملاحظه غرض و هدف اصلی از این توسعه (یعنی محول کردن توسعه به بافت‌های داخلی شهرها و انطباق آن بر شرایط اجتماعی) در نظر گرفته شود (ناصرمستوفی و شکوهی بیده‌ندی، ۱۳۹۵: ۱۱).

### توسعه میان افزا، بناهای میان افزا

فرهنگ لغت آکسفورد infill را عمل پرکردن فضایی با چیزی یا ماده‌ای می‌داند؛ به ویژه تکمیل فضایی با یک ساختمان (Oxford, 2010). و فرهنگ لغت لانگمن واژه infill را آنچه فضایی را پر می‌کند و نیز فرآیند پرکردن یک فضا به وسیله یک ساختمان می‌داند (Longman, 2008).

بناهای میان افزا به توسعه جدید در بافت شهری ساخته شده اشاره دارد که می‌تواند به دو صورت اضافه کردن ساختمان به بناهای موجود در جهت تکمیل و یا پرکردن فضاهای خالی در بافت شهری با بناهای جدید، امکان‌پذیر است. توسعه میان افزا، فضاهای خالی شهری را پر کرده و نقش حیاتی در دستیابی به تجدیدحیات شهری، حفاظت از زمین و منابع ایفا می‌کند و همین‌طور به عنوان جایگزینی برای توسعه پراکنده با هدف کاهش فشار توسعه مطرح می‌شود. توسعه میان افزا با بهره‌گیری از زیرساخت‌های موجود، منابع مالی جامعه را حفظ کرده و باعث افزایش قابلیت دسترسی پیاده و کمک به ایجاد محیط‌های امن و جذاب عابر پیاده می‌کند. در ضمن فرصت‌های جدیدی را برای شکل‌گیری محله‌های با کاربری مختلط در افزایش مفهوم حس مکان ایجاد می‌کند (H. Allan 2001, 4). به بیانی دیگر می‌تواند شخصیت، دوام و عملکرد جوامع موجود را بهبود بخشیده و کیفیت زندگی را در جوامع مسن تر افزایش دهد (همان، ۶).

توسعه میان افزا، برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری با توجه به اینکه در بستر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد موضوعی پیچیده، چندوجهی، میان بخشی و حتی فرابخشی است، که نه فقط امری کالبدی است بلکه دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی نیز هست. به عبارت دیگر توسعه میان افزا به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در

سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است و همه ساختارهای اجتماعی، کالبدی، سیاسی و اقتصادی را برای رسیدن به تعادل کیفی و کمی و پایدار ارتقاء می‌دهد (ناصرمستوفی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۵: ۱۲). این نوع از توسعه به عنوان تاکتیکی از راهبرد رشد هوشمند منطقه‌ای به حساب می‌آید و نوعا شامل سه فعالیت اصلی می‌شود: ۱. احداث ساختمان‌های جدید بر روی زمینی که در شرایط موجود توسعه نیافته و یا کمتر توسعه یافته است، ۲. احیای کالبدی ساختمان‌های غیرقابل استفاده کنونی و ۳. استفاده مجدد و سازگار با فرم و عملکرد قبلی این ساختمان‌ها (caves, 2005: 258). از طرفی موانع مختلفی وجود دارد که بر توسعه میان‌افزا تأثیر می‌گذارد، این موانع عبارتند از: موانع فیزیکی، موانع اجتماعی، موانع نظارتی، موانع اقتصادی موانع زیرساختی و مقیاس توسعه (Aly & Attwa 2013, 457).

### ضرورت تدوین و تبیین اصول طراحی معماری در بافت‌های تاریخی

با مروری بر ادبیات موضوع می‌توان دریافت که حفاظت بدون توسعه، و توسعه بدون حفاظت نمی‌تواند پاسخ‌گوی شرایط بافت‌های با ارزش شهری در ایران باشد. بنابراین باید به دنبال زبانی مشترک برای تعامل دو سویه و ارتباطی همراه با احترام متقابل میان دو مقوله حفاظت و توسعه بود. اگر به موضوع «توسعه» در جهت «پایداری» آن توجه شود، آنگاه می‌توان به موضوع «توسعه پایدار» به عنوان امری «ارزشی» نگریست، که در نتیجه ارزش‌های نهفته در بافت تاریخی شهرها، می‌تواند زبان مشترک ما برای حفاظت و توسعه توأمان باشد. ارتباط شاخص‌های توسعه پایدار و ارزش‌های بافت تاریخی، ارتباطی نزدیک و معنادار است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است. این ارزش‌ها در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های شهری تاریخی بعنوان اصول و قاعده طراحی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین شرایط طراحی در بافت‌های تاریخی متفاوت است و عدم توجه به ارزش‌های موجود در زمینه تاریخی، وضعیت نابسامانی را در بافت‌های ارزشمند تاریخی بوجود می‌آورد. زمانی که از توسعه میان‌افزا صحبت می‌کنیم، بی شک یکی از مهمترین مسائل ارتباط توسعه با محیط بیرونی آن است، به ویژه اگر محیط بیرونی دارای هویت تاریخی و مشخصه‌های منحصر به فردی باشد. این دقت نظر در باب چگونگی توسعه‌های میان‌افزا در زمینه کالبدی، دلیلی بر بی توجهی در تحقق‌پذیری و نحوه اجرای توسعه میان‌افزای مطلوب نیست. در حالی که تقریباً هیچ شهری از طیف وسیعی از زمین‌های بلااستفاده بی بهره نیست، باید دقت نمود که افزایش احتمال درک کیفیت مطلوب محیط ناشی از سیاستگذاری اجرایی در پروژه‌های توسعه میان‌افزا نیازمند دقت بسیار و تدوین استانداردها آنها است. بنابراین عدم توجه به تدوین و تبیین اصول طراحی معماری در زمینه و بافت تاریخی می‌تواند مسائل زیر را به بار آورد:

- زمینه‌سازی فروپاشی بناها و بافت‌های تاریخی؛
- بروز آشفتگی و عدم انسجام در بافت تاریخی؛
- تغییر ساختار فضایی، سلسله مراتب دسترسی و نظام محلات؛
- ایجاد تغییر در ساختار فرهنگی و اقتصادی؛
- از بین رفتن ارزش‌های معماری، کالبدی و الگوهای معماری تعریف شده در بافت تاریخی شهرها؛ و
- اعمال سلیقه‌های شخصی و نبود رویکرد و نگرش اصولی.

علیرغم بهبود کیفیت ساختمان‌های جدید در بافت‌های تاریخی ارزشمند، هنوز هم سوء تفاهماتی در رابطه با توسعه میان‌افزای مناسب در این گونه مکان‌های مهم وجود دارد. امروزه برای حفظ محیط‌های تاریخی لزومی ندارد که از ساخت و ساز در این مناطق جلوگیری کنیم. در ضمن ساخت و سازهای جدید همچنین نباید از معماری بناهای موجود کپی‌برداری کند. از طرفی ساخت و سازهای جدیدی که هیچ ارتباطی با بافت ارزشمند منطقه نداشته باشد مورد پذیرش نیست. این دو رویکرد متفاوت می‌تواند بافت تاریخی را از بین ببرد. اولی از طریق تقلید سطحی و مصنوعی و دومی از طریق بی‌توجهی به بافت شهری موجود.

ساخت و ساز جدید در یک بافت تاریخی به معنی قرار گرفتن در مجاورت یک محیط و بستر چند لایه ارزشمند است که باید با هدف حفظ و تقویت هویت متمایز زمینه و حس مکان صورت پذیرد (Beamer mp & pidcock, 2005). ایجاد حس مکان و حفظ آن نیازمند تقویت آگاهی تاریخی و حفظ مکان‌های تاریخی است تا هویتی خاص را به وجود آورد (توان، ۱۹۸۰: ۱۲۶). اما سوال اصلی این است که؛ چگونه می‌توان

در دوره معاصر در جهت ایجاد توسعه پایدار شهری و ایجاد هم‌پیوندی بناهای میان‌افزا با زمینه تاریخی، اصول طراحی بناهای جدید را تعریف کرد.

### فهم ارزش‌های زمینه؛ مبنای طراحی معماری

رابطه معماری جدید با زمینه تاریخی‌اش از ارزش‌های اختصاص داده شده به معنای میراث معماری و در نتیجه تفسیر آن در دوره معاصر (تفسیر مدرن) تعیین می‌شود. این وظیفه معمار است که از نظر معماری دوران خود را بیان کند و همزمان درگیر گفتگو با زمینه‌ای که او در آن می‌سازد، باشد (Demiri 2013, 44). از آنجا که معماری یکی از مهمترین عوامل شکل‌دهنده محیط زیست آدمی است، باید ابعادی جامع و در عین حال طبیعی داشته باشد. بر همین اساس معماری، در هر زمینه‌ای، باید بتواند در نوع خود، پاسخگوی نیازهای زمانی و مکانی باشد (ایوزیان، ۱۳۷۶: ۴۴). چیزی که لویی کان معمار معروف معاصر از آن بعنوان «عمارت‌سازی اندیشمندانه» یاد می‌کند (همان). هر مکانی پژواک‌هایی تاریخی دارد. هر آنچه ما می‌سازیم، چه مجسمه مفتولی مدرنی باشد یا بنایی هرمی شکل، ضرورتاً برخاسته از دانسته‌ها و تجربه‌های ماست و بی‌شک اشاراتی به گذشته دارد (توان، ۱۹۸۰: ۱۳۷). باید این زبان تعریف شده در گذشته را درک و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد. ادراک تحت تأثیر اطلاعاتی است که از طریق حواس از محیط دریافت می‌کنیم و شناخت، دانش و تجربه است که در مغز ذخیره می‌شود. پیام‌ها در پدیده‌ها مستور هستند و باید از طریق فرایند ادراک و شناخت، تفسیر شوند نه آن که رمزگشایی گردند. هرمنوتیک یا نظریه تفسیر یعنی از متنی که داریم به معنای آن پی بریم (Rapoport, 1977). شناخت لایه‌های مختلف بافت تاریخی، ارزش‌های تأثیرگذار در روند طراحی در این نوع بافت‌ها هستند. مهمترین معیار، پیوستگی و ارتباط اجزای تفسیر با هم و به وجود آوردن یک کل معنادار و بی‌تناقض است. صحت معیار این پیوستگی، نظر مردم است. برای فهم محیط شهری به فهم معانی و ارزش‌هایی که استفاده‌کنندگان به آنها نسبت می‌دهند نیاز داریم که گاه نمادین و گاه معطوف به هدف است. به نظر راپاپورت شهر معاصر گرچه با کثرت معانی روبروست اما فاقد معنی مشترک است. بنابراین مهم است که اجزای شکل شهر را به گونه‌ای متصل کرد که واجد معنی مشترک باشند. دریافت این معنی مشترک تنها با مراجعه به فرهنگ قابل دستیابی است (همان: ۹).

مداخله م-طراحی معماری جدید-باید بخشی از یک کل به عنوان یک وحدت در نظر گرفته شود (Demiri 2013, 44). چنین تداومی صرفاً با تقلید عین به عین از ظاهر کالبدی معماری گذشته حاصل نمی‌گردد، بلکه با تداوم جهان‌بینی و نوع نگاه به محیط پیرامون در ابعاد کالبدی، ساختاری و معنایی، محقق می‌گردد. یوکلیهتو (۱۹۹۹) با اشاره به مفهوم یکپارچگی و ضرورت آن در حفاظت از منظرهای فرهنگی به سه نوع مختلف از این مفهوم اشاره می‌کند. انسجام عملکردی، انسجام ساختاری، انسجام بصری (یوکلیهتو، ۱۳۸۶: ۵۶). مفهوم یکپارچگی قابل تعمیم در بافت‌های شهری تاریخی است که تحت عنوان منظر شهری تاریخی با تمام لایه‌های ملموس و غیرملموس خود شناخته شده و در روند طراحی معماری جدید در بافت‌های تاریخی مولفه تعیین‌کننده‌ای است. بافت شهری تاریخی، علاوه بر ارزش‌های ذاتی (تاریخی)، دارای ارزش‌های امروزی از نحوه ارتباط انسان امروزی با اثر تاریخی\_ نیز می‌باشد. تبیین و فهم این ارزش‌ها، مبنای مداخله در بافت تاریخی است.

### مولفه‌های طراحی در مقیاس کلان

#### درک فضای محیطی

از ویژگی‌های هر طرح ساختمانی مناسب، این است که فضای محیطی را درک کند و با آن هماهنگی داشته باشد (Beamer mp & pidcock, 2005). حال اگر این فضای محیطی یک زمینه تاریخی و ارزشمند باشد، اهمیت موضوع دو چندان است. رابطه متقابل بین بنا و محیط پیرامون، شخصیت بنا را تعریف می‌کند.

در یک فضا، زمینه، معنا و عمل عناصر درهم تنیده‌اند و در مجموع هویت مکان را تشکیل می‌دهند. سه عنصر مزبور غیرقابل تقلیل به یکدیگر بوده اما بطور غیرقابل تفکیکی در فهم ما از مکان‌های مختلف به هم پیوند خورده‌اند. البته هویت تنها محصول عناصر سه‌گانه گفته شده نیست، بلکه چیزی است که به لحاظ اجتماعی شکل گرفته و با توجه به تصویر فردی و گروهی نسبت به مکان تغییر می‌کند. در واقع هویت محصول روابط اجتماعی مستقر در مکان است اما تابع عوامل و عناصر ظاهری و سیمایی آن نیز می‌باشد (عزیزی و ارباب، ۱۳۸۷: ۱۵۲). از طرف دیگر

زندگی شهری، شرایط زیستی است که در آن تمام عناصر و فضاهای کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در حال تحرک و پویایی و دارای کارکرد و استمرار باشند. این نتیجه و برآیند کارکرد عناصر شهری است که شرایط زیست متعادل و حیات شهری را پدید آورده و استمرار می‌بخشد (همان: ۱۵۵).

هدف از طراحی در یک بافت تاریخی یا طراحی یک بنای تکمیلی، باید حفظ ویژگی‌های خاصی باشد که به آن مکان تشخص و احترام می‌دهد و در عین حال که به قدمت آن ارجح می‌نهد نیازهای جدید ساکنین آن را برآورده می‌سازد. در منشور بورا نیز عنوان شده است که در حفاظت، نیاز به تجهیزات بصری مناسب و سایر روابطی دارد که به اهمیت فرهنگی مکان کمک می‌کند. ساخت و ساز جدید، تخریب یا سایر تغییراتی که تأثیر منفی بر روی محیط یا روابط می‌گذارد مناسب نیستند (Beamer mp & pidcock, 2005). قدرت طراحان در این است که با حس مسئولیت، احترام به شخصیت ویژه محیط و نگرش اصولی نسبت به تغییر (مدیریت تغییر)، توسط کاهش یا افزایش متن تاریخی، موجبات بهبود بافت را فراهم آورند. بنابراین بنای جدید باید با حفظ کیفیت بافت تاریخی، روابط جدید و امروزی با محیط پیرامونش ایجاد کند و موجب تقویت کیفیت‌ها و ویژگی‌های لایه‌های مختلف فرهنگی، تاریخی، کالبدی و غیره شود. ایجاد کیفیت لازم با توجه به مولفه‌های زیر امکان‌پذیر است:

### ۱. جامعه پذیری

- **تنوع:** ارائه طیف گسترده‌ای از انواع کاربری‌ها و سطوح قیمت به افراد با سنین، نژادها و درآمدهای مختلف برای ایجاد تعامل و تقویت پیوندهای شخصی و مدنی که برای یک زندگی واقعی ضروری است.
- **حس مکان:** درجه‌ای از ارتباط بین انسان و مکان است که از نظر ذهنی متمایز شده و در زمان و مکان توسط ساکنان ساختار یافته است، درجه‌ای که ارتباط ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم را نشان می‌دهد.
- **مشارکت عمومی:** دستیابی به جلب اعتماد و همکاری جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی و قبل از پیشنهاد پروژه‌های خاص در طرح‌های توسعه میان‌افزا بسیار مهم و ضروری است.
- **تراکم جمعیتی مناسب**

### ۲. آسایش و تصورات ذهنی

- **سازگاری:** این معیار تا حد زیادی ذهنی است و بر میزان و چگونگی مطابقت ساخت و ساز جدید و یا توانبخشی قابل توجه با ساختار جامعه موجود دلالت دارد. الگو، مسیر، اندازه و شکل، عناصر ضروری سازگاری هستند. این عناصر روابط مقدماتی بین بناهای جدید و قدیمی را بدون ارجاع به سبک خاصی در معماری تعریف می‌کنند.
- **طرح فراگیر:** در یک برنامه جامع و فراگیر باید مواردی از قبیل شناسایی ویژگی‌های مطلوب برای ایجاد فرصت‌های توسعه میان‌افزا، سیاستگذاری و تعیین خط مشی، اهداف و عملیاتی بودن طرح تعیین شود.
- **مقررات منطقه‌بندی:** این مقررات باید از طرح‌های میان‌افزا حمایت کرده و بیان روشنی از هدف تعیین شده در جهت تقویت طرح فراگیر میان‌افزا ارائه دهد.
- **هویت:** در مناطقی که تغییر، قابل انتظار و ضروری است؛ شخصیت مطلوب آینده و نگهداشت هویت در اولویت قرار گیرد (Aly & Attwa 2013, 458).
- **قابلیت انطباق:** بناهای میان‌افزا باید طوری طراحی شوند که دارای تنوع و انعطاف بوده و با فرم و عملکرد مشخص نیاز انسان در دوره معاصر را پاسخگو باشد.
- **فضای عمومی:** در رشد هوشمندانه شهری، بر ایجاد حداکثری فضای باز عمومی و قابل استفاده تأکید شده است
- **محیط امن**

### ۳. جنبه‌های کاربرد و فعالیت‌ها

- **عملکردهای مختلط:** این امر با هدف پشتیبانی از عملکردهای زندگی روزمره و افزایش پایداری مطرح می‌شود.

- ارزش ملک زمین: توسعه میان‌افزا، ارزش اقتصادی زمین‌های اطراف را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاران و ساکنان را به منطقه جذب می‌کند.

#### ۴. جنبه‌های دسترسی و پیوند

- پارکینگ: مقررات پارکینگ باید به گونه‌ای تنظیم شود که منطبق با توسعه میان‌افزا باشد.
  - ادغام: توسعه شهری صحیح از طریق ادغام طرح‌های میان‌افزا، برنامه‌ریزی، طراحی شهری، مشارکت جامعه و تامین امکانات عمومی امکانپذیر است.
  - قابلیت راه رفتن: افزایش قابلیت حرکت برای مردم و کاهش ترافیک و تراکم.
  - اتصال: در طرح‌های میان‌افزا، اتصال و ارتباط با محیط پیرامون (خیابان و پیاده رو) ضروری است (همان، ۴۵۹).
- بنابراین ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی، کارکردی-عملکردی و کالبدی-محیطی در پروژه‌های میان‌افزا مبنای عمل در نحوه طراحی معماری است.

#### مولفه‌های طراحی در مقیاس خرد

هر مکان قابل طراحی در بافت شهری تاریخی، راه‌حل‌های متفاوتی را طلب می‌کند و رهنمودهای خاص خود را دارد؛ که این رهنمودها، می‌تواند به مجموعه‌ای از تحولات معماری منجر گردد. بافت تاریخی موجود، مانع نیست. بلکه فرصتی است برای افزودن کیفیت به زمینه تاریخی (Beamer mp & pidcock, 2005). هر پروژه منحصر به فرد است و باید بر اساس آن ارزیابی شود. در پروژه‌های میان‌افزا توجه به موارد زیر ضروری است:

۱. عقب‌نشینی ۲. جهت‌گیری بنا ۳. مقیاس ۴. تناسبات ۵. ریتم ۶. تراکم ۷. ارتفاع ۸. مواد و مصالح ۹. رنگ ۱۰. شکل سقف و پوشش
۱۱. جزئیات و تزئینات ۱۲. ویژگی‌های چشم‌انداز ۱۳. بناهای فرعی ۱۴. پارکینگ<sup>۲</sup>

#### عقب‌نشینی

در نظر گرفتن عقب‌نشینی در پروژه‌های میان‌افزا، یک از راه‌های احترام به بافت شهری تاریخی است. منظر شهری در اینگونه بافت‌های شهری نباید تحت تسلط ساخت و سازهای جدید قرار گیرد<sup>۲</sup>.

#### جهت‌گیری

یک ساختمان جدید باید به جهت‌گیری اولیه همسایگان خود احترام بگذارد. توجه به شکل حیاط، قرارگیری ایوان‌ها و مسائل جغرافیایی در طراحی معماری. آنچه که در معماری ما تحت عنوان «رون شهری» مطرح شده است<sup>۲</sup>.

#### مقیاس

مقیاس ساختمان یک سازه جدید باید با مقیاس کلی همسایگان آن سازگار باشد. مقیاس متفاوت در طراحی بناهای جدید را دور از خیابان قرار دهید تا کمتر مورد توجه عابران پیاده قرار گیرند و سایه‌های غیرضروری ایجاد نکنند. رعایت مقیاس برای رسیدن به اصل زیبایی و ایجاد حس پیوستگی ضروری است<sup>۲</sup>. در طراحی بنای جدید باید مقیاس بناهای مجاور، سلسله مراتب و روش ساخت بناهای موجود در نظر گرفته شوند. مقیاس از ارتفاع و جرم تشکیل شده و به طور معمول نسبی است؛ چراکه ارتفاع ساختمان در مقیاسه با ارتفاع یک شخص، عرض یک خیابان یا فضا، بناهای اطراف آن، نشانه‌های خاص یا مناظر اطراف سنجیده می‌شود. بنابراین در طراحی بنای جدید، حجم آن می‌بایست در توازن با زمینه خود باشد، یعنی نه «میان‌افزا چنان مرتفع که مقیاس مانوس انسانی مرکز تاریخی را ویران کند و نه چنان تصنعی که با عملکرد کلی آن ناسازگار باشد» (فیلدن و یوکلپهتو، ۱۹۹۸: ۱۲۴).



### ریتم

فاصله عناصر تکراری نما، مانند حفره‌های بیرون زده، تزئینات، پنجره‌ها، درها و ...، ایجاد ریتم می‌کند. فضای بین خانه‌ها، ارتفاع سقف‌ها، قرنیزها، برج‌ها و دیگر برجستگی‌های سقف، ریتم یک خیابان را برقرار می‌کند. یک ساختمان جدید باید به ریتم همسایگان و منظره خیابان احترام بگذارد.<sup>۲</sup>

### مواد و مصالح

اندازه، بافت، پرداخت سطح و سایر ویژگی‌های تعیین کننده مواد بیرونی به اندازه نوع خود مواد مهم هستند کاربرد مصالح و جزئیات متناسب برای رسیدن به اصل زیبایی ضروری است.<sup>۳</sup> رویکردهای محلی برای ساخت بنای جدید از مصالح بومی موجود در اطراف محل ساخت، استفاده می‌کرده است. مراکز تاریخی شهرها و روستاها، نمایانگر استفاده از مصالح بومی و محلی و سنت‌های بومی هستند که نشان‌دهنده هویت آنها نیز هستند. استفاده مناسب از رنگ، بافت و الگوی مصالح، چه سنتی و چه معاصر، نحوه کاربرد و رعایت جزئیات آنها، به ویژه در مجاورت چشم‌اندازهای باز، به منظور برجسته یا هماهنگ نمودن بنای جدید در زمینه تاریخی اهمیت بسیاری دارد. مصالح پیشنهادی لزومی ندارد که به طور کامل شبیه به مصالح بنای تاریخی باشند، بلکه باید با آنها هماهنگ بوده و از مصالح بنای تاریخی به عنوان یک مرجع استفاده شود؛ اما از طرفی نباید آنقدر متفاوت باشند که نسبت به بنای تاریخی برجسته بوده و دید را از بنای تاریخی منحرف کنند (انجم شعاع، ۱۳۹۸: ۷۴).

### رنگ

طرح رنگ یک ساختمان جدید باید مکمل ساختمان های اطراف باشد. به عنوان یک قاعده کلی، بیش از سه رنگ مختلف نباید در یک ساختمان جدید استفاده شود.<sup>۴</sup>

### جزئیات و تزئینات

یک ساختمان جدید باید میزان، موقعیت و ظرافت تزئینات معماری ساختمان های مجاور را در نظر بگیرد. جزئیات و تزئینات موجود می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای کسانی که در یک ساختمان جدید هستند استفاده شود، اما آنها نباید دقیقاً کپی شوند. تفسیر معاصر از جزئیات و تزئینات تاریخی باید در جهت ایجاد تمایز صورت پذیرد.<sup>۵</sup>

### ویژگی‌های چشم‌انداز

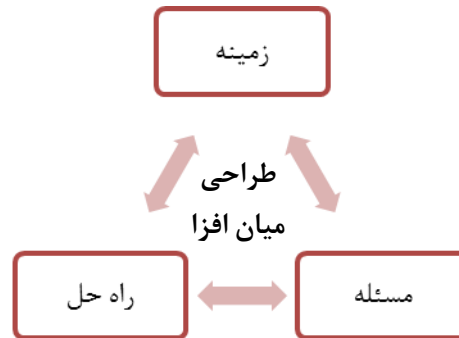
منظر از توجه به اصول پیوستگی و یکپارچگی منتج شده است. که نه تنها از ویژگی‌های طبیعی یک منطقه تشکیل شده، بلکه محصول مداخله انسان نیز هست که برای مثال درالگوهای زمینه و بقایای روی خاک و همچنین آثار مدفون شده باستان‌شناسی نمایان می‌شود. در طراحی بنای میان‌افزا توجه به منظر تاریخی شهر و کمک به حفظ آن و خدشه دار نشدن خصوصیات و یکپارچگی آن، جزو معیارهای موفقیت طرح است (انجم شعاع، ۱۳۹۸: ۷۵). گیاهان، درختان، حصارها، دیوارهای حائل، پیاده روها، مسیرهای عبور و مرور و سایر ویژگی‌های چشم‌انداز عناصر مهم تعیین کننده شخصیت در محله‌های تاریخی هستند که در طرح توسعه میان‌افزا می‌بایست مورد توجه و حفاظت قرار گیرند

### تحلیل یافته‌های پژوهش

دستیابی به قوانین ساخت و ساز در بافت شهری تاریخی و فهم الگوهای مناسب طراحی معماری نیازمند شناخت و درک مسئله زمینه تاریخی است. کریستوفر الکساندر ساختار هر الگو را قاعده‌ای سه بخشی شامل ارتباط میان یک زمینه، یک مسئله و یک راه حل می‌داند. برای درک پیچیدگی محیط پیرامون، زبان الگو اهداف زیر را دنبال می‌کند: الف) راهی برای درک و کنترل سیستم‌های پیچیده، ب) استفاده از زبان الگو به عنوان ابزاری برای دستیابی به انسجام (مهاجری، ۱۳۸۷: ۵۱). این زبان الگو با هدف اجرایی شدن توسعه میان‌افزا می‌تواند نمایانگر نظم و قاعده



رفتار زمینه‌ای باشد که ریشه تاریخی خود را در لایه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی و حتی عملکردی نشان می‌دهد(شکل ۱). از طرفی یک پروژه میان‌افزا باید به عنوان محصول زمان خودش قابل شناسایی باشد تا از ایجاد حس نادرست از گذشته جلوگیری شود. برای دستیابی به یک طرح میان‌افزای موفق لازم است زمینه تاریخی، طرح مسئله و راه حل آن با توجه به مقیاس کلان و خرد شناخته، تحلیل و بررسی شود. درک زمینه با شناخت ارزش‌های چند لایه ملموس و ناملموس امکان‌پذیر است. وظیفه یک طراح میان‌افزا، احترام به تمام لایه‌های ارزشی است(جدول شماره ۱).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش. قاعده سه بخشی الگوی مناسب طراحی (مأخذ: نگارنده)

جدول ۱: وجوه مختلف طراحی میان‌افزا در مقیاس کلان و خرد(مأخذ: نگارنده)			
لایه‌بندی	زمینه/شناخت (فهم ارزش‌ها)	مسئله/دغدغه (معاصر سازی ارزش‌ها)	ضرورت‌های طراحی (حفاظت، تقویت و تداوم ارزش‌ها)
مقیاس کلان	<ul style="list-style-type: none"> <li>-منظر شهری تاریخی(لایه‌های ملموس و ناملموس)</li> <li>-بافت شهری تاریخی</li> <li>-محله و ساختار شکل‌گیری</li> <li>-ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی</li> <li>-همجواری‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>-حفاظت از بافت تاریخی</li> <li>-آگاهی بخشی</li> <li>-مشارکت مردمی</li> <li>-حفظ انسجام و یکپارچگی (ساختاری، بصری، عملکردی)</li> <li>-مدیریت تغییر</li> <li>-احترام به بافت شهری تاریخی</li> <li>-حضورپذیری و امنیت اجتماعی</li> <li>-حفظ حریم(فنی، کیفی و بصری)</li> <li>-حفظ اصالت(زمینه، طرح، عملکرد، مصالح، فن و شیوه ساخت)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>-درک فضای محیطی</li> <li>-جامعه‌پذیری(تنوع کاربری، حس مکان، مشارکت عمومی، تراکم جمعیتی)</li> <li>-آسایش و تصورات ذهنی (سازگاری، طرح فراگیر، هویت، قابلیت انطباق، فضای عمومی، امنیت)</li> <li>-جنبه‌های کاربردی و فعالیت‌ها (عملکرد مختلف، ارزش ملک)</li> <li>-جنبه‌های دسترسی و پیوند (پارکینگ، ادغام، پیاده‌راه، اتصال)</li> <li>-ویژگی‌های چشم‌انداز</li> <li>-خط آسمان</li> </ul>

-موقعیت بخش قابل طراحی -همجواری‌ها و ارتباطات -الگوی های تاریخی طراحی -کاربری -جزئیات -مصالح	-کانسپت طراحی -فرم و حجم -مصالح -الگوی طراحی -حفظ اصالت و توجه به زمینه طراحی -همجواری -پذیرش عمومی -عملکرد -سایت پلان	-عقب‌نشینی -جهت‌گیری بنا -الگوی طراحی -مقیاس -تناسبات -ریتم -تراکم -ارتفاع -مواد و مصالح -رنگ -شکل سقف و پوشش -جزئیات و تزئینات -ویژگی‌های چشم‌انداز -بناهای فرعی -پارکینگ	۹
---	--	--	---

### نتیجه‌گیری

با مروری بر ادبیات توسعه میان‌افزا می‌توان دریافت که حفاظت از بافت‌های شهری تاریخی بدون توسعه، و توسعه بدون حفاظت نمی‌تواند پاسخ‌گوی شرایط بافت‌های با ارزش شهری باشد. بنابراین باید به دنبال زبانی مشترک برای تعامل دو سویه و ارتباطی همراه با احترام متقابل میان دو مقوله حفاظت و توسعه بود. ارزش‌های نهفته در بافت تاریخی شهرها، می‌تواند زبان مشترک ما برای حفاظت و توسعه توأمان باشد. ارتباط شاخص‌های توسعه پایدار و ارزش‌های بافت تاریخی، ارتباطی نزدیک و معنادار است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است. این ارزش‌ها در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های شهری تاریخی بعنوان اصول و قاعده طراحی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. بنابراین شرایط طراحی در بافت‌های تاریخی متفاوت است و عدم توجه به ارزش‌های موجود در زمینه تاریخی، وضعیت نابسامانی را در بافت‌های ارزشمند تاریخی بوجود می‌آورد. زمینه‌سازی تخریب بناها و بافت‌های تاریخی، بروز آشفستگی و عدم هماهنگی و انسجام، تغییر ساختار فضایی، سلسله مراتب دسترسی و نظام محلات، ایجاد تغییر در ساختار فرهنگی و اقتصادی، اعمال سلیقه‌های شخصی و نبود رویکرد و نگرش اصولی از مواردی است اهمیت تدوین اصول و ضوابط طراحی میان‌افزا را در بافت‌های تاریخی نشان می‌دهد. توجه به لایه‌های کالبدی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی زمینه تاریخی در هنگام طراحی امری ضروری است. از این رو توسعه میان‌افزا، راهکاری مدیریتی برای نگهداشت آگاهانه ارزش‌های چند لایه بافت تاریخی شهرها در سطوح مختلف است. بنابر تحلیل صورت گرفته؛ برای رسیدن به طراحی میان‌افزای موفق لازم است کنکاش و بررسی دقیقی در زمینه طراحی اثر صورت پذیرد. زمینه طراحی (بافت شهری تاریخی)، خود محل مناقشه است و با درک صحیح شرایط است که می‌توان راه‌حل مناسبی را برای آفرینش یک اثر معمارانه برگزید.

اصول و نکات گفته شده در این پژوهش می‌تواند بعنوان اصول پایه در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهرها مورد توجه قرار گیرد؛ اما با توجه به گستره پهناور جغرافیایی، تاریخی، معماری و اقلیمی ایران پیشنهاد می‌شود این موضوع در بافت‌های شهری متفاوت ایران، مورد تدقیق و تبیین قرار گیرد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Habitat
2. Practical Conservation Guide for Heritage Properties, infill new construction in heritage neighbourhoods. Region of waterloo.

## منابع

- اعصام، ایرج (۱۳۷۷)، *طراحی مسکن در بافت قدیم شهری، هنرهای زیبا*، دوره ۳، شماره ۰ - شماره پیاپی ۹۹۵.
- انجم شعاع، مریم، پیروز حناچی و الهام اندرودی (۱۳۹۸)، *اصول و راهکارهای طراحی ساختارهای میان‌افزا به مثابه محرک توسعه بافت های تاریخی*، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال دهم، شماره ۳۷، پائیز ۱۳۹۸.
- آیوازبان، سیمون (۱۳۷۶)، *حفظ ارزشهای معماری سنتی در معماری معاصر ایران*، دوره ۲، شماره ۰ - شماره پیاپی ۱۴۱۵، بهار ۱۳۷۶.
- تُوَان، بی-فُو (۱۹۸۰)، *تقابل اصالت و حس مکان*، ترجمه راضیه رضازاده (۱۳۸۴)، خیال شماره ۱۶، فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۴.
- عزیزی، محمدمهدی و پارسا ارباب (۱۳۸۷)، *چالش هویت در شهرهای جدید*، نشریه شهرسازی و معماری هفت‌شهر، شماره ۲۵-۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- فیلدن، برنارد و یوکیلهتو، یوکا (۱۹۹۸)، *راهنمای مدیریت برای محوطه های میراث جهانی*، ترجمه پیروز حناچی (۱۳۸۳)، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: تهران.
- مهاجری، ناهید (۱۳۸۷)، *پایداری کالبدی در شهرهای سنتی ایرانی (اصل انسجام و پیچیدگی در طراحی شهری-ساختار برخالی)*، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره ۳، پاییز.
- ناصرمستوفی، انوشیروان، محمدصالح شکوهی بیدهدنی (۱۳۹۵)، *شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران*، دانش شهر شماره ۳۶۰، اسفند ۱۳۹۵.
- یوکیلهتو، یوکا (۱۳۸۶)، *تاریخ حفاظت معماری*، مترجم: محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، تهران:روزنه.
- Aly s.s & Y.A.Attwa(2013), Infill development as an approach for promoting compactness of urban form, WIT Transactions on Ecology and The Environment, vol 173, WIT press. Sustainable development and planning VI, pp 455-466.
- Beamer MP, Diane, caroline pidcock(2005), Design in context, Guidelines for infill development in the historic environment,NSW Heritage Office and the Royal Australian Institute of Architects.
- Demiri, konstantina(2013), New Architecture az infill historical context, Architecture and urban planning, national technical university of Athens.
- H.Allan, steven(2001), Models and Guidelines for infill development, Maryland Department of planning.
- Maitland gardner, james(2007), preparing the conservation plan, understanding historic building conservation, Edited by: Michael Forsyth, university of Bath, Blackwell publishing. 156-174.
- Norberg Schulz C (1980) Genius Loci: towards a phenomenology of architecture. Rizzoli, New York
- Practical Conservation Guide for Heritage Properties, infill new construction in heritage neighbourhoods.Region of waterloo.
- Rapoport, Amos. (1977). Human aspects of urban form. New York: Pergamon Press.
- Caves, R., (2005). Encyclopedia of the City. London & UK: Rutledge Press.
- Longman dictionary of contemporary English(2008), London
- Oxford Advanced Learners dictionary(2010), 8<sup>th</sup> Edition, London. Oxford university press.